

تاریخ ۰۳/۰۲/۲۰۰۸

نویسنده: حمید انوری

از زاویه دیگر....



در حالیکه صدور حکم اعدام برای پرویز کامبخش را شدیداً محکوم نموده و آنرا خلاف تمام موازین شناخته شده حقوق بشر میدانم ، میخوامم به این قضیه از یک زاویه دیگر بپردازم . تا چه قبول افتد و چه در نظر آید .

پرویز کامبخش را به (جرم) ! اینکه مضمونی را در اینترنت خوانده ، کاپی کرده و چند نسخه آنرا به همصنفانش توزیع نموده است ، ابتدا ماموران امنیتی رژیم در ولایت بلخ تعقیب و بعداً توقیف نموده و به زندانانش میبرند. منزل وی خلاف قانون تلاشی میشود . چند مامور امنیتی به حکم داروغه شهر به منزلش ریخته و به حریم شخصی خانه وی که باید از هر نوع تعرض مصئون باشد ، تجاوز نموده و خانه اش را بهم ریخته و همه چیز

را در هم و برهم کرده و عاقبت در بین کتاب هایش ، کتابی بنام (دین در تاریخ تمدن) اثری از (ویل دورانت) را می یابند و به عنوان سند (جرم) با خود برده و ضمیمه (دوسیه جرم) وی میکنند . این کتاب نوشته پرویز کامبخش نیست ، بلکه نوشته (ویل دورانت) است . فکر کنم که ترجمه دری کتاب بوده ورنه ماموران امنیتی رژیم که از بقایای (خاد) هستند ، از سواد کافی برخوردار نیستند تا عنوان یک کتاب را به انگلیسی خوانده بتوانند . همینکه خوانده اند (دین در ...) ، مو بر اندام شان راست شده و مانند آنکه گنجی را یافته باشند سر از پا نشناخته و چهار نعل بسوی داروغه شهر تاخته اند تا پاداش دریافت نمایند که (سند جرم) را پیدا نموده اند .

داروغه شهر که به اندازه فرستاده گانش هم سواد ندارد و یک روز هم درس قضا نخوانده و از حقوق بشر چیزی نمی داند و از اسلام هم بوئی نبرده است و من کاملاً مطمئن هستم که نه سواد کتاب خواندن دارد و نه هم حتی یکبار اوراق کاپی شده از اینترنت را خوانده است ، همینکه برایش گفته اند پرویز کامبخش نوشته ای را با عنوان (آیات زن ستیز در اسلام) خوانده و به دوستانش در پوهنتون بلخ توزیع کرده است و کتابی از حریم شخصی وی تحت عنوان (دین در تاریخ تمدن) پیدا شده است و چند ملای بیکار هم که ناخوانده ملا و نا بافته جولا شده اند ، حکم کفر بر وی صادر کرده و اعدامش را تقاضا نموده اند و قاضی شرع هم که از همان کوزه آب و از همان طبق نان خورده است ، بدون کوچکترین تحقیق و جواب و سوالی حکم اعدام صادر میکند.

این بدان معنی تواند بود که هرکس که از اینترنت استفاده میکند ، کافر است و چون نمیشود همه را اعدام کرد ، پس چه بهتر که کامپیوتر ها را بدار آویخت . همان گونه که اسلاف قاضی صاحب تلویزیون ها را بدار آویخته بودند.

گر حکم شود که مست گیرند

در شهر هرآنکه هست گیرند

از نظر قاضی شرع ، آنان که به اینترنت دسترسی دارند کافرند و باید اعدام شوند و آنان که کتاب میخوانند ، کافر اند و باید به دار آویخته شوند و قاضی صاحب گیریم که شما تمام کامپیوتر های موجود در افغانستان را بدار آویختید و تمام کتابخانه های شهر را به آتش کشیدید ، افکار مردم را چگونه کنترل خواهید کرد؟ اکنون از زاویه دیگر بدین قضیه می پردازیم .

این هیچمدان که در این گوشه دنیا به انتر نت دسترسی دارم و در خواندن و نوشتن کاملاً آزاد هستم و تیغ خونین کدام قاضی شرع را بر پشت گردنم احساس نمی کنم ، هرگز و هرگز سایت انترنتی ایرانی (کافر) که (آیات زن ستیز در

اسلام) در آن به نشر رسیده است، از نظرم نگذشته و با آن آشنائی نداشتم. اما بعد از آنکه اخبار صدور حکم اعدام یک جوان افغان به (جرم) خواندن مضمون یاد شده را خواندم در صدد آن برآمدم تا سایت متذکره و مضمون مورد نظر را یافته و مطالعه کنم و همین کار را نیز کردم و چند کاپی هم برداشتم و به دوستان هم توزیع کردم و سوالاتی که برایم خلق شد هم همچنان بی جواب مانده است و بی جواب خواهد ماند چون نه شورای علمای بلخ و نه هم قاضی شرع که حکم اعدام صادر کرده اند، قادر به جواب گفتن آن سوالات اند. اگر میبودند با پرویز کامبخش مینشستند و برایش تشریح و توضیح میکردند و به سوالات وی جوابات قناعت بخش ارائه میکردند.

منی حقیر فقیر سراپا تقصیر با سواد اندکی که دارم، زیاد کتاب خوان و اهل مطالعه نیستم، ولی به مجرد اینکه فهمیدم در منزل جوان هموطن ما کتابی یافته اند که ماموران امنیتی رژیم برای اثبات (جرم)، آنرا با خود برده و ضمیمه (دوسیه) وی کرده اند (اگر دوسیه ای در کار بوده باشد؟)، برایم سوال پیدا شد که چگونه کتابی بوده است و چرا مطالعه آن کتاب و یا بهتر بگویم داشتن آن کتاب (جرم) محسوب میشود. از سر کنجکاوی که در فطرت هر انسانی وجود دارد، بر آن شدم تا به کتابخانه های شهر مراجعه کرده و کتاب (دین در تاریخ تمدن) نوشته (ویل دورانت) را پیدا کنم و به مطالعه آن پردازم. شاید این کتاب را بار بار بخوانم و شاید هم به دوستان دیگر خواندن آنرا توصیه کرده و کتاب را برای شان به عاریت دهم و....

این کار قاضی بیسواد، افراد بسیاری همچو منی را به مطالعه و تحقیق و تتبع و میدارد، به کتاب خانه ها و کتاب فروشی ها میکشاند و بشمار کتب دیگری اندرین موضوع به دبیرس شان قرار میگیرد، اما قاضی شرع که همچو حکم شرم آوری را صادر کرده است همچنان قادر به خواندن اوراق کاپی شده از انترنت نبوده و صد البته که فهم و درایت و دانش مطالعه کتاب نویسنده بزرگی چون (ویل دورانت) را ندارد و همچنان در تاریکی تیر جهل اش را پرتاب خواهد کرد تا سینه بی کینه هموطنی را بشکافد.

گیریم که قاضی متذکره باسواد باشد و قبل از صدور حکم اعدام آن نوشته ها را خوانده و کتاب مورد نظر را نیز به دقت مطالعه کرده و بعد در شورای علمای آنها را مورد بحث و مناقشه قرار داده باشد و اعضای شورای علمای نیز نظر به مسؤولیتی که احساس میکردند (که ما را عجب آید)، هر کدام جدا گانه مضمون (آیات زن ستیز در اسلام) نوشته یک ایرانی و نیز کتاب (دین در تاریخ تمدن) نوشته (ویل دورانت)، فیلسوف، مورخ و نویسنده نامدار امریکائی را با دقت مطالعه کرده باشند (البته اگر سواد آنرا داشته باشند، که باز هم ما را عجب آید)، تا باشد در قضاوت شان اشتباه صورت نگیرد و شرمسار مردم و گردن بسته دین و دنیا نشوند، در آن صورت چون جنابان همان اوراق کاپی شده از انترنت و همان کتاب (ویل دورانت) را مطالعه کرده اند، پس همان حکم که در مورد پرویز کامبخش صادر شد، در مورد آنها هم باید صادر شود. کتاب خواندن شاخ و دم ندارد و نمیشود که یک شخص به جرم خواندن یک مضمون و یک کتاب کافر و مرتد شود و حکم اعدامش صادر شود و شخص دیگری با مطالعه همان اوراق و همان کتاب عضو شورای علمای قاضی شرع گردد.

امید است قاضی متذکره و شورای علمای یاد شده در رد مضمون (آیات زن ستیز در اسلام) روشنی جامع انداخته و با دلیل و برهان قاطع و منطقی و در پرتو ارشادات دین مبین اسلام، به هموطنان ما روشنی انداخته و داشته های شانرا در اختیار همه مردم قرار دهند. البته این توقع از آنها بیجا خواهد بود که کتاب (دین در تاریخ تمدن) را به نقد بکشند و ما هم این توقع را از ایشان نداریم.

در خاتمه به یک خبر جالب از همین زاویه نگاهی می اندازیم: در خبرها آمده بود که (مشرانو جرگه) افغانستان حکم اعدام پرویز کامبخش را تائید کرده است و این خبر از تمام رسانه های جمعی داخلی و خارجی بصورت وسیع پخش گردید. همه در حیرت فرو رفتند، نه از سببی که چرا (مشرانو جرگه) حکم اعدام را تائید کرده است، بلکه از سببی متحیر شدند که این موضوع به (مشرانو جرگه) ارتباطی نداشت. از نگاه قانونی فکر میکنم این کار در صلاحیت ستره محکمه باشد و در صورت تائید حکم صادر شده از سوی ستره محکمه در آخرین مرحله به تائید رئیس جمهور نیازمند است، نه (مشرانو جرگه). بی بی سی گزارش داده بود که: ((... دو روز پیش (سه شنبه ۹ دلو)، اطلاعیه ای از سوی رئیس مجلس سنا (مشرانو جرگه) افغانستان منتشر شد که در آن، از صدور حکم اعدام برای سید پرویز کامبخش، روزنامه نگار در ولایت بلخ، به اتهام "تکثیر مطالب کفرآمیز"، حمایت شده بود. اما امروز خبر دیگری در رد خبر قبلی منتشر شد: ((سنای افغانستان حمایت از حکم اعدام را پس گرفت)). در گزارش بی بی سی

آمده است : ((اکنون، منشی این مجلس می گوید "تایید اعدام آقای کامبخش از سوی سنا، اشتباه فنی بوده است". امین الدین مظفری می گوید: در مورد "تکثیر مطلب ضد اسلامی" از یک سایت اینترنتی ایرانی توسط آقای کامبخش، موضع مجلس سنا، ضرورت پیگیری اینگونه وقایع توسط محاکم قضایی پیشگیری میشود، نه (مشرانو جرگه) ، ما این مطلب را بخوبی میدانیم ، از سر لطف به آقای (صبغت الله خان مجددی) بفهمانید که آب را نا دیده ، موزه از پا نکشند . زمانیکه رئیس مجلس سنا یا رئیس (مشرانو جرگه) کشور نداند که تائید حکم اعدام در حد صلاحیت های (مشرانو جرگه) نیست ، از قاضی بیسواد و شورای علمای آن چه انتظار باید داشت ؟ باری همین آقا فتوای کافر بودن ملالی جویا را نیز صادر کرده بود و در لویه جرگه قانون اساسی زمانیکه به یک رای گیری ضرورت افتاده بود ، جناب شان به حیث رئیس انتصابی لویه جرگه متذکره خطاب به وکلای حاضر در مجلس فرموده بودند : ((اگر رای میتین خوب آگه نی بلایم ده پس تان)) . به هر حال ما ندانستیم که (اشتباه فنی) یعنی چه ؟ آیا رئیس صاحب (مشرانو جرگه) نا دانسته و نا خوانده بالای یک کاغذ امضا کرده اند ؟ الغیب و عندالله

شیخ از آن کند اصرار بر خرابی احرار

چون بقای خود ببند در فنای آزادی

پایان